

پژوهش‌های معمارانسلک ۲۱

شماره شایا X - ۸۷ - ۲۰۱۷

فصلنامه علمی - پژوهشی
قطب علمی معماری اسلامی
سال ششم - شماره چهارم - زمستان ۱۳۹۷

❏ بررسی نقش زیبایی‌شناسی معماری در خانه‌های ایرانی، نمونه موردی: خانه‌های تاریخی شهر مشهد

سازادقی / احمد اخلاصی / حامد کامل‌نیا

❏ ترسیم طرحواره‌ای جامع‌نگر از فرآیند طراحی معماری با تطبیق روش‌شناسی تأویلی شناخت طراحی، بر سازواره‌ی کلی معرفت در نظام حکمت متعالیه

علی روان / سعید علی‌تاجر

❏ پژوهشی در «کاخ جنوبی» و «کاخ میانی» در مجموعه‌ی معماری تشریفاتی لشکری‌بازار؛ بر اساس قراین تاریخی، منابع ادبی و یافته‌های معماری

سید رسول موسوی حاجی / اسدالله جودکی عزیز / سحر عبدالهی

❏ معیار ارزش برای تربیت هندسی معمار: بررسی رویکردهای رایج و نگرش اسلامی

مهدی ممتحن / مسعود ناری قمی

❏ سلسله مراتب تشخیص عناصر شهر در ارسن شهری در سبک‌های شهرسازی دوران اسلامی ایران

مهدی حمزه نژاد / مصطفی صیرفیان پور

❏ سازوکارهای تنظیم خلوت در خانه‌های برون‌گرای گیلان (نمونه موردی: خانه‌های روستایی)

فاطمه جباران / غلامرضا طلیسچی / نیما دبماری / علی دری

❏ تأثیر وجوه موازی اسلام و مسیحیت بر شکل‌گیری معماری کلیسا و مسجد (با تأکید بر روند تبدیل کلیسا به مسجد در دوران عثمانی)

مریم اکبری / محمد مهدی مولایی



پژوهش‌های معماری اسلامی

شماره شایا: X - ۹۷ - ۳۳۸۷

فصلنامه علمی - پژوهشی
قطب علمی معماری اسلامی
سال ششم - شماره چهارم - زمستان ۱۳۹۷

لیست داوران این شماره:

دکتر لیلا پهلوان زاده (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی)
 دکتر سمانه تقدیر (استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران)
 دکتر بهاره تقوی نژاد (استادیار دانشگاه هنر اصفهان)
 دکتر مهدی خاک زند (استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران)
 دکتر محمدمنان رئیسی (استادیار دانشگاه قم)
 دکتر رضا سامه (استادیار دانشگاه بین المللی امام خمینی)
 دکتر آزاده شاهچراغی (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی)
 دکتر حسین صفری (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی)
 دکتر مظفر عباس زاده (استادیار دانشگاه ارومیه)
 دکتر محمدرضا عطایی همدانی (استادیار دانشگاه آزاد)
 دکتر محمدباقر کبیر صابر (استادیار دانشگاه تهران)
 دکتر شهریار ناسخیان (استادیار دانشگاه هنر اصفهان)
 دکتر احد نژاد ابراهیمی (استادیار دانشگاه هنر اسلامی تبریز)
 مهندس عبدالحمید نقره کار (دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران)
 دکتر اصغر محمد مرادی (استاد دانشگاه علم و صنعت ایران)
 دکتر صلاح الدین مولانایی (استادیار دانشگاه کردستان)
 دکتر بهزاد وثیق (استادیار دانشگاه صنعتی جندی شاپور)
 دکتر معصومه یعقوبی (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی)

نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی بر اساس مجوز کمیسیون نشریات
 وزارت علوم تحقیقات و فناوری به شماره ۱۳۷۲۰۶ / ۳ / ۱۸ مورخ
 ۹۳ / ۷ / ۲۸ از شماره نخست دارای اعتبار علمی پژوهشی می باشد.

این مجله در پایگاه‌های (SID) و (ISC) نمایه می شود.

مدیر مسئول: معاونت پژوهشی دانشگاه علم و صنعت ایران

سردبیر: دکتر محسن فیضی

مدیر داخلی: دکتر فاطمه مهدیزاده سراج

ویراستار ادبی فارسی: سارا متولی

کارشناس مجله: امیرحسین یوسفی - زهرا کاشانی دوست

ویراستار انگلیسی: محمد رضا عطایی همدانی

هیأت تحریریه:

دکتر سید غلامرضا اسلامی: دانشیار دانشگاه تهران
 دکتر حسن بلخاری: استاد دانشگاه تهران
 دکتر مصطفی بهزادفر: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
 دکتر محمد رضا پور جعفر: استاد دانشگاه تربیت مدرس
 دکتر مهدی حمزه نژاد: استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران
 دکتر اسماعیل شیعه: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
 دکتر منوچهر طیبیان: استاد دانشگاه تهران
 دکتر حمید ماجدی: استاد واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی
 دکتر اصغر محمد مرادی: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
 دکتر غلامحسین معماریان: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
 دکتر فاطمه مهدیزاده سراج: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
 مهندس عبدالحمید نقره کار: دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران
 دکتر محمدتقی زاده: استادیار واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی
 دکتر علی یاران: استاد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

طراح جلد و صفحه‌آرا: امیرحسین یوسفی

قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال

مقالات مندرج در این مجله، الزاماً بیانگر نقطه نظرات «پژوهش‌های معماری اسلامی» و «قطب علمی معماری اسلامی» نمی باشد و نویسندگان محترم، مسئول مقالات خود هستند.

نشانی دفتر مجله: دانشگاه علم و صنعت ایران / قطب علمی معماری اسلامی / کد پستی ۱۶۸۴۶۱۳۱۱۴ / تلفن مستقیم: ۰۲۱ - ۷۷۴۹۱۲۴۳

نشانی راینامه: jria@iust.ac.ir / نشانی وب: <http://iust.ac.ir/jria>

سازوکارهای تنظیم خلوت در خانه‌های برون‌گرای گیلان (نمونه موردی: خانه‌های روستایی)



فاطمه جباران*

مدرس مدعو دانشکده عمران و معماری، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران (نویسنده مسئول)

غلامرضا طلیسچی**

استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

نیما دیماری***

مریبه دانشکده معماری و عمران، دانشگاه ملایر، همدان، ایران

علی دری***

مدرس مدعو دانشکده عمران و معماری، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۰۱/۱۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۷/۰۸/۱۱

چکیده:

خلوت به عنوان نیازی انسانی، حاصل تنظیم تعامل بین انسانها در محیط است؛ که تحت تأثیر الگوهای جاری فعالیت و زمینه‌ی فرهنگی، خلوت مطلوب را سبب می‌شود. تنظیم خلوت در خانه‌های ایران، از ویژگی‌های بنیادین معماری ایرانی است که تأثیر بسزایی در شکل‌گیری سازمان فضایی و عناصر کالبدی خانه‌های سنتی داشته است. با این حال، تنوع اقلیمی و فرهنگی در گستره جغرافیایی ایران، گونه‌های متفاوتی از خانه ایرانی را موجب شده و شرایطی از این دست، در شهرهای حاشیه دریای خزر سبب شکل‌گیری معماری برون‌گرا گردیده است. معماری برون‌گرای خانه‌های روستایی گیلان به گونه‌ای متفاوت خلوت مطلوب را، مطابق با ضروریات اعتقادی اسلامی و فرهنگ بومی، در بناها مهیا کرده و حریم فضاهای درون خانه را تأمین نموده است. به عبارت دیگر، ویژگی‌های تنظیم خلوت در این خانه‌ها از نظر ساختار فضایی و عناصر معمارانه منحصر به فرد بوده و متفاوت با خانه‌های درون‌گرا در نواحی مرکزی ایران است. راهکارهای معمارانه این گونه از خانه‌ها در تأمین و تنظیم خلوت، تاکنون مورد مطالعه پژوهشگران قرار نگرفته است. به همین جهت، این مقاله به تشریح و تبیین تنظیم خلوت و سازوکارهای آن می‌پردازد و چگونگی تحقق خلوت مطلوب را در آثار شاخص معماری برون‌گرا، در خانه‌های روستایی گیلان جستجو می‌کند. این پژوهش ابتدا با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی، ساختار فضایی و ویژگی‌های معمارانه بناهای منتخب را شناسایی کرده است. سپس، پژوهشگران از طریق حضور همراه با مشارکت در میدان تحقیق و نگرستن از عینک ساکنین به ادله‌ی نهفته در پس رفتارها و کنش‌های قلمروپایی ایشان دقت کرده‌اند و سعی در آشکارسازی معانی عمیق داده‌های تجربی حاصل از مصاحبه‌ها و مشاهدات داشته‌اند و به «توصیف ضخیم» از پدیده مورد نظر دست یافته‌اند.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که تنظیم خلوت نقش مهمی در شکل‌گیری ساختار فضایی و عناصر معماری خانه‌های برون‌گرا ایفا می‌کند. وجود درختان و پرچین^۱ در اطراف حیاط تا حدودی مانع دید به داخل و سبب محصوریت فضایی می‌گردد و مرز خانه، مزرعه و شالیزار را معین می‌کند. ورودی با چرخشی، سبب شکستن دید به درون بنا می‌شود و در نتیجه، ارتباط بصری به داخل بنا از بین می‌رود. بلته^۲ مانع ورود غیر به خانه می‌شود. همچنین قرارگیری پله‌ها در محور فرعی، سبب شکستگی و کاهش دید هنگام ورود به اتاق است. ایوان و کوتوم^۳ و اسبو^۴ در جلوی اتاق‌ها، موجب تعدد فضایی و همچنین مرحله‌بندی برای حضور افراد به خانه می‌شود. اصولاً تالار^۵ و تالاراتاق^۶ که محل پذیرایی مهمان است، در طبقه بالا قرار می‌گیرد و یل^۷ که^۸ و جیربن^۸ که آشپزخانه و محل زندگی خانواده است در طبقه همکف یا نیم طبقه اول جای می‌گیرد. این عناصر ضمن عملکرد اصلی خود سبب تسلسل ارتباطی، عدم اشرافیت بصری و محصوریت فضایی می‌شوند و بدین ترتیب حوزه خصوصی خانواده حفظ می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: تنظیم خلوت، خانه‌های روستایی، معماری برون‌گرا، معماری بومی، گیلان.

مقدمه

تنظیم تعامل بین انسانها در محیط، یعنی تنظیم خلوت و برقراری تعادل مطلوبی از خلوت و تعاملات اجتماعی از نیازهای اساسی آدمی است که تا کنون توجه پژوهشگران بسیاری را جلب نموده است (هال ۱۳۹۳، آلتمن ۱۳۹۵، لنگ ۱۳۹۴، پلاسما ۱۳۸۹). تنظیم خلوت فرآیندی پویا و حائز نیروهایی است که فرد را به سوی میزان مشخصی از پذیرا شدن دیگران یا قطع رابطه با آنها هدایت می‌کند. که متناسب با زمان و موقعیت فرد شدت و ضعف می‌یابد (آلتمن ۱۳۹۵، ۱۴). تأمین خلوت مطلوب به الگوهای جاری فعالیت، زمینه فرهنگی، شخصیت و انتظارات فردی وابسته است (لنگ، ۱۳۹۴). از این روی تأثیر فرهنگ بر شکل‌گیری تعادل بین خلوت و تعاملات اجتماعی، یکی از پرسش‌هایی است که همواره بر آن تأکید شده‌است.

از دیرباز، در تمامی فرهنگ‌ها، خانه مهم‌ترین مکان برای تأمین خلوت بشر بوده است. میزان کنترل و کیفیت خلوت در خانه، اساس برقراری ارتباطات اجتماعی مطلوب و از ارکان اصلی تأمین‌کننده سلامت اجتماعی خانواده است که به‌ویژه تحت تأثیر عوامل فرهنگی، و یا به عبارت دیگر، از فرهنگی تا فرهنگ دیگر متفاوت است. به طور کلی، در جوامع سنتی، شکل خانه، سازمان و تقسیمات فضایی آن، قبل از آنکه توسط اقلیم و مصالح و فناوری تعیین شود، با درک انسان از جهان و فرهنگ وی شامل اعتقادات مذهبی، ساختار قبیله و خانواده، سازمان اجتماعی، روش زندگی و شیوه ارتباطات اجتماعی افراد نسبت دارد (Rapoport, ۱۹۶۹, ۴۷). از این جهت، خانه‌های سنتی ایرانی مصداق بارزی از تحقق اعتقادات و باورهای مذهبی و فرهنگی ایرانیان بوده است. یکی از وجوه بارز این تأثیرات در شکل خانه ایرانی، حفظ حریم خانواده و یا به تعبیر معمول خلوت خانه و خانواده توسط عوامل کالبدی است.

مطالعات روانشناسی محیطی بر تأثیر فرهنگ به عنوان وجهی اساسی در تأمین خلوت تأکید ورزیده است. تنظیم خلوت در خانه‌های ایرانی علاوه بر تأمین امنیت محیطی، حرمت و ارزش حریم معنوی خانواده را پاس می‌دارد؛ به گونه‌ای که «دین اسلام به وجود مسئله حریم در خانه‌های انسان تأکید کرده و آن را لازمه‌ی رسیدن به آرامش و امنیت می‌داند» (نقره‌کار ۱۳۹۴، ۵۰۲). در باور عمومی حریم محدوده ویژه‌ای است که

شخص، فارغ از قوانین، قالب‌های معین و مشخص رفتارهای اجتماعی، می‌تواند در آن با خویشتن خویش خلوت کند و به احساسات فردی خویش پاسخ گوید و نیازهای روانی خویش را برآورده سازد. اسلام نیز این حق را برای انسان محترم می‌شمارد و احترام آن را بر هر فرد مسلمان فرض می‌داند (معماریان ۱۳۹۰، ۷).

تأمین خلوت کیفیتی از فضا در خانه‌های ایرانی است که با توجه به مسائل فرهنگی و جغرافیایی، راهکارها و اشکال مختلفی دارد. در این میان شهرهای حاشیه دریای خزر به دلیل شرایط فرهنگی، اجتماعی، نوع طبیعت یا اقلیم، از شرایط ویژه‌ای برخوردارند. ویژگی‌های معماری خاص منطقه گیلان گونه‌ای از ترکیبات فضایی در معماری خانه را به وجود آورده است؛ که کاملاً متفاوت با عناصر و ساختار فضایی خانه‌ها در مناطق مرکزی و نجد ۹ ایران است. واضح است که تأمین خلوت و حریم برای ساکنین ایرانی و مسلمان شهرهای حاشیه دریای خزر، متناسب با شرایط دینی و عرفی، از دغدغه‌های بنیادین بوده است؛ از این رو، به گونه‌ای ویژه و متناسب با شرایط اقلیمی به این نیاز پاسخ داده‌اند و خانه‌های بومی این خطه از معماری برون‌گرا برخوردارند. ویژگی‌های تنظیم خلوت در این خانه‌ها از نظر ساختار فضایی و عناصر معمارانه منحصر به فرد و متفاوت با خانه‌های درون‌گرا در نواحی مرکزی ایران است. راهکارهای معمارانه این گونه از خانه‌های در تأمین و تنظیم خلوت، تاکنون مورد مطالعه پژوهشگران قرار نگرفته است.

پژوهش حاضر، پس از تشریح مفهوم خلوت و سازوکارها و کارکردهای خلوت مطلوب، به فرهنگ و چگونگی تأمین خلوت در جوامع مسلمان می‌پردازد. سپس این کیفیت را در ساختار فضایی خانه‌های برون‌گرای گیلان جستجو می‌کند. در واقع این مقاله درصدد پاسخ گویی به این سوال است: چگونه پیکره‌بندی و سازمان فضایی موجب تنظیم خلوت در خانه‌های برون‌گرا می‌شود؟

پیشینه تحقیق

پژوهشگران بسیاری در رابطه با خلوت و سازوکارهای دستیابی به آن مباحث و مطالعاتی را ارائه نموده‌اند. این موضوع در حوزه علوم انسانی و رفتاری و همچنین در حوزه روانشناسی محیط در معماری و جامعه‌شناسی مورد مطالعه قرار گرفته است.



و تنظیم خلوت در مقیاس گوناگون و متناسب با فرهنگ تأکید می‌کند (Memarian, ۲۰۱۱). عینی فرد (۱۳۷۹) خلوت را یکی از عوامل محیطی و انسانی موثر در شکل‌گیری مجتمع‌های مسکونی می‌داند و معتقد است احساس خلوت بیشتر با کنترل انسان در محیط زندگی خصوصی و احساس اختیار در برخورد‌های متقابل اجتماعی به دست می‌آید. ارژمند و خانی (۱۳۹۱) ضمن پرداختن به مفهوم خلوت، عناصر فضایی و کالبدی تأمین‌کننده این کیفیت در خانه را بررسی می‌نمایند. ریسی و حسینی (۱۳۹۱) به بررسی خلوت و تعامل اجتماعی می‌پردازد و تأمین خلوت را مانع احساس ذهنی ازدحام و تنش می‌داند که بر کیفیت روابط متقابل مردم تأثیر می‌گذارد. خامنه‌زاده (۱۳۹۶) با ارزیابی طیف خلوت در دو گروه خانه‌های پیشامدرن و مدرن ایرانی نتیجه گرفت که برخورد تک بعدی و یک جانبه با ماهیت طیف گونه خلوت در هر یک از این دو گروه خانه‌ها، به حذف بخشی از قلمروها منجر شده است.

روش تحقیق

صاحب‌نظران برای ارزیابی داده‌ها و گزارش‌های کیفی، معیارهای متنوعی ارائه داده‌اند که از جمله این معیارها می‌توان به مفهوم انتقال‌پذیری، ارائه‌شده توسط گوبا و لینکن اشاره کرد. در این مفهوم، تنها چیزی که محقق می‌تواند واقعا بداند، یافته‌های به دست آمده از میدان مطالعه است (Guba & Lincoln, ۱۹۸۹). به عبارت دیگر انتقال‌پذیری درجه‌ای است که در آن نتایج یک مطالعه کیفی می‌تواند به یک محیط متفاوت دیگر نیز منتقل شده و برای یک جمعیت متفاوت به کار رود. ابزار اولیه ایجاد انتقال-پذیری استفاده از توصیف مناسب در ارائه‌ی همه جزئیات مرتبط با فرایند تحقیق یا توصیف ضخیم است (محمدپور، ۱۳۸۸، ۸۳).

تحقیق حاضر، رویکردی کیفی-تفسیری دارد. از این رو، پژوهشگران تلاش کرده‌اند پدیده تأمین خلوت را در شرایط طبیعی خود مورد مطالعه قرار دهند و به تفسیر این پدیده از منظر معانی و تصورات مورد نظر مردم بپردازند. این گونه از مطالعات به نحوی مدیریت می‌شوند که چارچوب‌های معنابخش، معانی ذهنی و معانی پایه‌ای و عمیق حاکم بر فرهنگ گروه‌ها و جوامع به خوبی فهم شوند. از این رو، با در نظر گرفتن فرهنگ به عنوان شبکه‌ای از معناها که انسانها در آن معلق هستند و با تأکید بر

ادوارد تی هال، به بررسی رابطه انسان و فضا می‌پردازد و در کتاب بعد پنهن موضوع خلوت، همجواری، فضای شخصی و فضای عمومی را معرفی می‌کند و با استفاده از همجواری ۱۰ و تنظیم قلمروها، نیاز به خلوت را در فرهنگ‌ها گوناگون می‌سنجد (هال، ۱۳۹۳).

آلتمن نظریه‌پرداز است که به حوزه روانشناسی محیط و تعاملات انسانی پرداخته است. او در کتاب «محیط و رفتار اجتماعی» چهار مفهوم «خلوت»، «ازدحام»، «قلمرو» و «فضای شخصی انسان» را بر اساس دیدگاه اجتماعی- روان شناختی تحلیل می‌کند (آلتمن، ۱۳۹۵). همچنین در کتاب «فرهنگ و محیط» در بخش نظریه‌های رفتاری، خلوت را به عنوان فرهنگی جهانی معرفی کرده و استراتژی‌های گوناگون برای تأمین خلوت در فرهنگ‌های مختلف را معرفی می‌کند (Altman, ۱۹۸۴). او در مقاله‌ای تحت عنوان «تنظیم خلوت: فرهنگی خاص یا فرهنگی عمومی» خلوت را مقوله‌ای عمومی معرفی می‌نماید که برای تنظیم سطح مورد نظر خلوت در فرهنگ‌های گوناگون سازوکارهای رفتاری مختلفی وجود دارد (Altman, ۱۹۷۷). جان لنگ به ماهیت محیط و ماهیت فضای انسانی و رفتار در آن پرداخته است. او در در بخشی از کتاب «آفرینش نظریه معماری» خلوت، قلمروپایی و فضای شخصی را تشریح می‌نماید (لنگ، ۱۳۹۴). الکساندر در حوزه روانشناسی معماری مطالعه نموده است و علت نیاز انسان به خلوت در محیط‌های معماری و به خصوص خانه را مورد کنکاش و مطالعه قرار داده است (الکساندر، ۱۳۹۳). راپاپورت (۱۳۹۲) در کتاب «انسان شناسی مسکن» به تأثیر فراوان فرهنگ در نوع تأمین خلوت و شکل‌گیری کالبد خانه تأکید می‌کند.

هاچیسون در کتاب «دایره المعارف مطالعات شهری» (۲۰۱۰) در بخشی مربوط به روانشناسی محیطی، به مفاهیم خلوت و قلمروپایی پرداخته است. نیول (۱۹۸۸) در مقایسه‌ای میان فرهنگی، خلوت را شرایط موقت و نیز جدایی داوطلبانه از قلمرو عمومی تعریف می‌کند، این عبارت با واژه انزوا پیوند داشته و با مفاهیم اشتراکی، اجتماعی و دیدگاه اسلامی در تضاد است. در رابطه با تحقق خلوت در خانه ایرانی، مطالعاتی صورت گرفته است. غلامحسین معاریان در مقاله‌ای تحت عنوان «خلوت خانه-ها در فرهنگ اسلامی» بر رابطه مستقیم مفهوم خانواده

زمان و موقعیت فرد شدت و ضعف پیدا می‌کند (آلتمن ۱۳۹۵، ۱۴).

۲- خلوت و تعاملات اجتماعی

در تعاریف مربوط به خلوت و تعامل اجتماعی اندیشمندان آنها را دو مفهوم متقابل یکدیگر می‌دانند (آلتمن ۱۳۹۵، لنگ ۱۳۹۴، هال، راپاپورت، ۱۹۶۹ Sommer). راپاپورت (۱۹۷۷) خلوت را توانایی کنترل تعامل اجتماعی، حق انتخاب و امکان تعامل اجتماعی دلخواه فرد تعریف کرده است. در واقع نحوه تعامل مردم با یکدیگر و نحوه تأثیر حضور واقعی یا ضمنی دیگران بر افکار، احساسات و رفتار یکدیگر، الگوهای گوناگونی دارد (فرگاس ۱۳۹۴، ۱۶). الگوی رفتار آدمی، نیازمند سطح مطلوبی از ارتباط فردی در برابر تعامل اجتماعی است. «خلوت» به معنای نوعی از تعامل با ویژگی خاص که حضورش در مسکن بیش از هر جای دیگری دیده می‌شود و به تناسب نیاز فرد یا افراد و همچنین در رابطه با هر فعالیتی، معنای خاصی خواهد داشت (ارژمند و خانی ۱۳۹۱، ۲۸). به عقیده پلاسما هر فرد، از شخصیتی اجتماعی و خصوصی برخوردار است که خانه قلمرو شخصیت نخست و واسطه حریم خصوصی و عمومی است (پلاسما ۱۳۸۹، ۱۱۹). از طرفی خلوت توانایی نظارت بر تعامل، در اختیار داشتن حق انتخاب و تمهیدات و سازوکارهای لازم برای جلوگیری از تعامل ناخواسته و دستیابی به آرامش و رابطه‌ی مطلوب تعریف شده است (راپاپورت ۱۹۷۲ به نقل از آلتمن ۱۳۹۵، ۲۲).

در طراحی خانه، خلوت و تعامل اجتماعی دو مفهوم متقابل هستند؛ تاکید بیش از اندازه بر خلوت می‌تواند موجب انزوا و تعامل خارج از کنترل می‌تواند موجب از دست رفتن خلوت زندگی خصوصی شود (عینی فرد ۱۳۷۹، ۱۱۲). یکی از راه‌های مناسب برای تحلیل مفهوم خلوت بررسی شیوه‌های اقوام گوناگون در تنظیم ارتباط‌های اجتماعی خود است. بدیهی است که فرهنگ‌های گوناگون برداشت‌های متفاوتی از مقوله خلوت دارند. مشاهده دقیق‌تر نشان می‌دهد که در تمام فرهنگ‌ها سازوکارهای رفتاری خاصی برای تعامل اجتماعی افراد وجود دارد آنچه در فرهنگ‌ها متفاوت است شیوه نظارت بر تعامل اجتماعی است (همان، ۱۵).

۳- سازوکارهای خلوت و کارکردهای آن

افراد معمولاً برای رسیدن به سطح مطلوب خلوت از سازوکارهای

تفسیر معنا، پژوهش حاضر رویکردی مفسرانه را اتخاذ کرده و از توصیف مجمل پدیده به توصیف فربه یا توصیف ضخیم آن نیل می‌یابد (فی ۱۳۸۱، ۱۶۷). به عبارت دیگر، این مطالعات زمانی به فهم درست از پدیده دست می‌یابند که از «توصیف مجمل» به «توصیف ضخیم» گذر کرده باشند؛ توصیفی که محقق از طریق حضور همراه با مشارکت در میدان تحقیق، و نگرستن از عینک خود عاملان اجتماعی به ادله نهفته در پشت هر عملی به آن دست می‌یابد.

این پژوهش ابتدا با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی، ساختار فضایی و ویژگی‌های معماری بناهای منتخب را شناسایی کرده است. سپس، پژوهشگران از طریق حضور همراه با مشارکت در میدان تحقیق و نگرستن از عینک ساکنین به ادله‌ی نهفته در پس رفتارها و کنش‌های قلمروپایی ایشان دقت کرده‌اند و سعی در آشکارسازی معانی عمیق داده‌های تجربی حاصل از مصاحبه‌ها و مشاهدات داشته‌اند و به «توصیف ضخیم» از پدیده مورد نظر دست یافته‌اند.

مبانی نظری تحقیق

۱- مفهوم خلوت

معنای لغوی خلوت، تنها نشستن، تنهایی گزیدن، تنهایی، انزوا، فاقد ازدحام و شلوغی است (معین، ۱۳۸۷). مفهوم «خلوت» در معماری و چندین رشته از علوم انسانی از جمله در روانشناسی، علوم سیاسی، حقوق، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی به کار رفته و بررسی شده است (Omer ۲۰۱۰، Westin ۱۹۶۸، Hall ۲۰۰۴، آلتمن ۱۳۹۵، لنگ ۱۳۹۴، هال ۱۳۹۳، الکساندر و چرمایف ۱۳۹۳).

خلوت حفاظی است که فرد، در اطراف خود برای دوری از نفوذ و قدرت دیگران به‌وجود می‌آورد. (آلتمن ۱۳۹۵، ۲۶). خلوت فرآیند نظارت بر مرز خود و دیگری است و توانایی کنترل افراد یا گروه‌ها بر تعامل دیداری، شنیداری و بویایی با دیگران می‌باشد (لنگ ۱۳۹۴، ۱۶۵). آلتمن خلوت را فرایندی دیالکتیکی می‌داند که هم با محدودیت تعامل سروکار دارد و هم در جست و جوی تعامل می‌باشد. بنابر نظریه سنتی، خلوت به معنای «قطع کردن رابطه خود با دیگران» است. اما او خلوت را نتیجه کنش متقابل نیروهای متضاد می‌داند که فرد را به سوی میزان مشخصی از پذیرا شدن دیگران یا قطع رابطه با آنها می‌داند که با توجه به

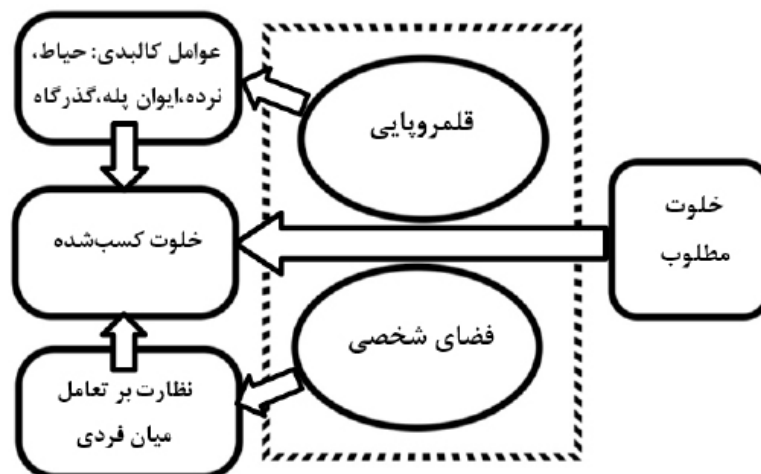
باید مرزی محکم و استوار میان فرد و دنیای بیرون او ایجاد کند و طراحی داخلی آن طوری باشد که هم رابطه متعادل اعضای خانواده با طبیعت بیرون میسر باشد و هم تعامل افراد در داخل خانه تأمین شود (کریستوفر الکساندر و چرمایف، ۱۳۹۳).

از آن جا که خانه مکانی مقدس قلمداد شده، باید شاخصه‌های مکان مقدس را نیز دارا باشد. در کالبد بنا هر آنچه مقدس است تنها در صورتی تقدس خود را حفظ می‌کند که دسترسی به آن سخت یا غیر ممکن باشد، برای رسیدن به آن نیاز به گذار از چندین گذرگاه است، صبوری حرف اول را می‌زند، مراحل برای رسیدن به آن وجود داشته باشد و باید دروازه‌های زیادی را پشت سر گذاشت (الکساندر ۱۳۹۳، ۱۷۴). کسب خلوت مطلوب از طریق فضای شخصی و قلمروپایی محقق می‌گردد. اصل قلمروپایی با ایجاد قلمرو، حریم شخصی افراد را معین می‌نماید. به گونه‌ای که رفتار قلمروپایی دربرگیرنده نشانه‌گذاری و شخصی کردن مکان است و انسان‌ها معمولاً از طریق دامنه وسیعی از موانع یا نشانه‌های نمادین، از قلمرو خود محافظت می‌کنند. رفتار قلمروپایی دربرگیرنده نشانه‌گذاری و شخصی کردن مکان است.

فضای شخصی، سازوکاری برای دست یافتن به نظارت بر تعامل میان فردی و دستیابی به خلوت دلخواه است که انسان با انجام برخی رفتارها؛ به سایرین اطلاع می‌دهد که مرزهای فضای شخصی کدام است. بدین صورت خلوت مطلوب برای انسان محقق می‌گردد (لنگ ۱۳۹۴، ۱۶۷).

رفتاری گوناگون چون رفتارها، هنجارها و کنش‌های فرهنگی بهره می‌گیرند. علاوه بر این، سازوکارهای خلوت بر حسب زمان و موقعیت ممکن است تغییر کند. آلتمن سازوکارهای محیطی خلوت را یکی از روش‌ها برای تنظیم سطح مطلوب خلوت معرفی می‌کند. نقش محیط فیزیکی در مقوله خلوت بسیار پیچیده است (آلتمن ۱۳۹۵، ۴۴).

درخصوص نقش محیط فیزیکی در تأمین خلوت تحقیقات دیگری نیز در حیطه زندگی خانوادگی و خانه انجام شده است. هیل^{۱۱} (۱۹۶۹) نشان داده‌است که وجود پنجره و پرده اتاق خواب در خانه‌ها برای جلوگیری از ورود و خروج صدا و نگاه دیگران بسیار مفید است. شوارتز^{۱۲} (۱۹۶۸) به این نتیجه می‌رسد که وسایلی مثل در، دیوار، نرده و تابلو از ورود ناخواسته دیگران به حریم فرد در خانه جلوگیری می‌کند. کوپر^{۱۳} (۱۹۵۳) ساختمان خانه‌های انگلیسی را تحلیل کرد و متوجه شد که دیوارهای نازک مشترک بین اتاق خواب‌های مجاور، درها و راهروها دستیابی به خلوت را دشوار می‌کند. مک‌گینلی^{۱۴} (۱۹۵۹) اشاره می‌کند که خلوت همواره از دارایی‌های ارزشمند انسان به شمار می‌رود و در بسیاری از تمدن‌ها، مانند دنیای امروز مورد اهمیت بوده‌است. عده‌ای برای ممانعت از تعدی دیگران اطراف باغ‌های خود درخت می‌کاشتند، یونانیان اطراف خانه‌های خود ایوان درست می‌کردند و انگلیسی‌ها خانه‌های بیلاقی خود را در میان پارک‌ها محصور می‌کردند (آلتمن ۱۳۹۵، ۴۵). چرمایف و الکساندر در همین زمینه پژوهش‌هایی انجام داده و پیشنهاد کرده‌اند که خانه



نمودار ۱: مدل تحلیلی پژوهش مأخذ: نگارندگان

خود تابع شرایط است و کمال مطلوب خلوت، بر اساس زمان و شرایط تغییر می‌کند (آلتمن ۱۳۹۵، ۲۹). تعامل مابین قلمروهای عمومی و خصوصی معمولاً با تسلسل و دسترسی‌های غیرمستقیم و شکسته با انحنای زیاد می‌باشد که خود افزایش بخش درجهٔ محرمیت است (Bianca 2000، ۳۷).

شماری از نوشته‌های نظری، سازوکارهای تنظیم حریم را تبیین کرده‌اند (Sommer 1969، Altman, Nelson & Lett 1972). حریم مرزها یا موانعی است که فرد یا گروه، با استفاده از آنها بر دسترسی دیگران به خود نظارت می‌کنند و در واقع مفهوم مرز به معنای قائل شدن تمایزی میان خود و غیر خود است. پذیرا شدن یا نشدن دیگران به درون قلمرو،

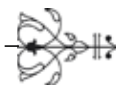
جدول ۲. گونه‌شناسی دیوارهای هو بر اساس نوع باز شو (مأخذ: نگارندگان)

ردیف	صاحب نظران	عناصر معماری تأمین‌کننده خلوت	چگونگی تأمین خلوت
۱	هیل	پنجره و پردهٔ اتاق خواب	جلوگیری از ورود و خروج صدا و نگاه دیگران (عدم اشرافیت بصری)
۲	شوارتز	در، دیوار، نرده و تابلو، پله	مانع ورود ناخواسته دیگران به حریم فرد است.
۳	کوپر	دیوارهای نازک مشترک بین اتاق خواب‌ها مجاور، درها و راهروها	ایجاد سلسله مراتب برای ورود
۴	مک گینلی	کاشتن درخت و ساختن ایوان در اطراف خانه، قرارگیری خانه در حیاط‌هایی بزرگ چون پارک	جلوگیری از اشرافیت بصری و ایجاد سلسله مراتب برای ورود
۵	الکساندر	گذار از چندین گذرگاه، پشت سر گذاشتن دروازه‌های متوالی	حفظ تقدس خانه و دسترسی سخت یا غیر ممکن به آن
۶	پیرنیا	جداسازی زندگی خصوصی و عمومی توسط اندام‌هایی چون اندرونی، بیرونی، حیاط و راهرو و ...	حفظ اندرون خانه طوری که زن خانه بتواند به راحتی کار کند و کسی او را نبیند.
۷	نقی زاده	شکل‌گیری حوزه‌ها و قلمروهای مختلف فضایی در خانه	حفظ حریم خانه و خانواده
۸	مدنی‌پور	تمایز میان دو عرصهٔ اصلی زندگی: عرصهٔ عمومی و عرصهٔ خصوصی	کنترل روابط شخصی افراد با دیگران، به ویژه با دنیای خارج از قلمرو خصوصی
۹	نقره‌کار	تأکید بر وجود حریم در خانه‌های انسان	کنترل آرامش و امنیت افراد
۱۰	معماریان	تأکید بر حریم به عنوان محدودهٔ ویژه‌ای از زمان و مکان	کنترل خلوت مطلوب شخص، فارغ از قوانین خاص اجتماع و پاسخ به نیازهای روانی افراد

۴- تأثیر فرهنگ بر خلوت مطلوب

سازوکارهای جداسازی فرد از دیگران یا به عبارت دیگر نظارت بر مرزهای بین افراد برای دستیابی به سطح مطلوب خلوت جهان شمول است و در تمامی جوامع وجود دارد. ممکن است برخی از فرهنگ‌ها به مقولهٔ خلوت توجه اندکی داشته باشند (آلتمن ۱۳۹۵، ۳۷). رابطه بین انسان و محیط نشان می‌دهد که احساس خلوت بیشتر با کنترل انسان بر

محیط زندگی خصوصی و احساس اختیار در برخوردهای متقابل اجتماعی به دست می‌آید. ایجاد تعادل میان خلوت و تعامل اجتماعی هم به وسیله مفاهیم کالبدی و هم مفاهیم فرهنگی- اجتماعی؛ که زمینه‌های روانی لازم را ایجاد می‌نمایند، میسر است. پس نیاز به خلوت در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است. (عینیفرد ۱۳۷۹، ۱۱۲). مطابق تعریف راپاپورت فرهنگ مجموعه‌ای از ارزش‌ها،



آوردن مفهوم خلوت به عنوان داشتن کنترل و اختیار به جای انزوا، در طراحی مسکن نیاز به راه‌حل‌های قابل انعطاف دارد که در شرایط عادی مشکل به دست می‌آید (عینفرد ۱۳۷۹، ۱۱۳). از طرفی خلوت توانایی نظارت بر تعامل، در اختیار داشتن حق انتخاب و تمهیدات و سازوکارهای لازم برای جلوگیری از تعامل ناخواسته و دستیابی به آرامش و رابطه‌ی مطلوب تعریف شده‌است (راپاپورت ۱۹۷۲ به نقل از آلتمن ۱۳۹۵، ۲۲).

زندگی اجتماعی و خصوصی در جوامع اسلامی جدا از یکدیگر است و حتی در درون خانه‌ها نیاز به میزان خلوت و آرامش است که ساختار معماری آن را تبیین می‌کند (میشل، ۱۳۹۱: ۱۸۴). در قرآن کریم آمده است: «خداوند برای سکونت شما خانه‌هایتان را قرارداد» (نحل، ۸۰) ۱۵. آیه شریفه فوق خانه را محل آرامش معرفی کرده است و بر شکل‌گیری فضا و قلمروها در خانه تاکید دارد. همچنین در آیات «۲۷ تا ۳۴ سوره نور» ۱۶ به لزوم آدن، برای ورود به خانه‌ی دیگران اشاره می‌کند؛ چنین نیازی بیانگر آشکار نبودن داخل خانه و حفظ خلوت است. این‌گونه می‌توان یکی از اصول ثابت در شکل‌گیری فضاهای زیستی در اماکن مسکونی مسلمانان را ایجاد حریم دانست که از طریق سازوکارهای خلوت و کارکردها، در سازمان فضایی خانه رعایت می‌گردد.

۵- خانه‌های برون‌گرای گیلان

استان گیلان به وسیله حصار بلند البرز از بقیه ایران جدا می‌شود و جلگه گیلان بین دامنه‌های شمالی کوه‌های البرز و سواحل جنوبی دریای خزر قرار دارد.

حوزه فرهنگی معماری گیلان بدون در نظر گرفتن تقسیمات کشوری به نه زیر حوزه دسته‌بندی می‌شود. تقسیم‌بندی این حوزه‌ها بر اساس عوامل زیست محیطی، فرهنگ و نوع معماری بومی روستایی صورت پذیرفته است (طالقانی ۱۳۹۰، ۲۶). ساختمان‌ها در این مناطق جدا از هم و با حیاطها و فضاهای باز و وسیع ساخته می‌شوند، و حصار دور این فضاها اغلب کوتاه‌تر از قد انسان است. دلیل این امر همان استفاده از جریان هواست، تا هوا از میان ساختمان‌ها عبور کرده و هوای مرطوب و راکد را با خود

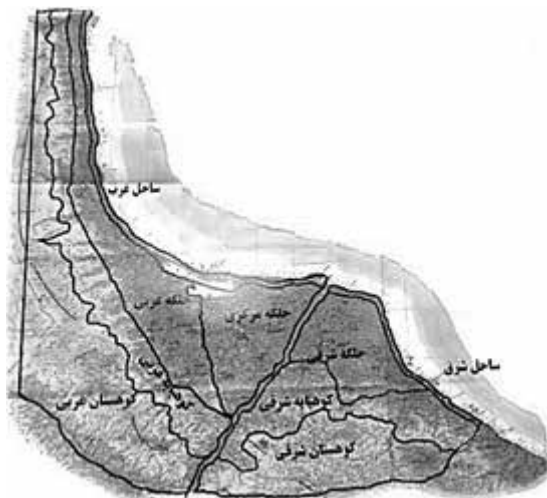
عقاید و ایده‌آل‌های گروهی از مردم است که در فرآیند فرهنگ‌آموزی، میان اعضای آن گروه منتقل می‌شود و منظور او از فرهنگ‌آموزی، انتقال ارزشها و عقاید از نسلی به نسل دیگر در میان اعضای یک فرهنگ مشابه است (Rapoport ۲۰۰۵، ۹). در واقع فرهنگ بر معماری، تاثیر می‌گذارد. به آن فرم می‌دهد و به‌گونه‌ای غیر مستقیم یکی از پایه‌های اصلی زندگی روانی انسان‌هاست. پس ادراک انسان از محیطی که اطرافش می‌سازد تابع فرهنگ اوست (هال ۱۳۹۳، ۱۵۹).

خانه بیش از آنکه ساختاری کالبدی باشد، یک نهاد با عملکردی چند بُعدی متأثر از اجتماع، فرهنگ، آئین مذهبی، اقتصاد و شرایط محیطی است (Rapoport ۱۹۶۹، ۴۶). با توجه به تحقیقات گیفورد اغلب افراد در خانه‌هایی زندگی می‌کنند، که مطابق با فرهنگ گذشته آنان باشد. زیرا سکونت‌گاه‌ها که تبلوری از فرهنگ‌اند؛ مکمل الگوهای رفتاری همان فرهنگ شکل می‌گیرند (Gifford ۲۰۰۷، ۸۵). از آن جهت که محیط‌های مصنوع (همچون خانه) و ادراک افراد از آن، به سبب تفاوت‌های فرهنگی می‌تواند متفاوت باشد، بنابراین شکل خانه به قرارگاه‌ها، مکان‌ها و گروه کاربران وابسته می‌باشد. راپاپورت رابطه بین فرهنگ و شکل خانه را در ارزش‌های ذاتی و به ویژه گروه فرهنگی و نیز ارتباطات بین این ارزش‌ها و شیوه زندگی و فعالیت‌های آنها جستجو می‌کند. ارزش‌های ذاتی و فعالیت‌ها در این مورد به صورت مستقیم بر شکل خانه تأثیرگذارند. (Rapoport 1998، ۱۱).

۱-۴ خلوت در خانه‌های مسلمانان

به عقیده پلاسما هر فرد از شخصیتی اجتماعی و خصوصی برخوردار است که خانه قلمرو شخصیت نخست و واسطه حریم خصوصی و عمومی است (پلاسما ۱۳۸۹، ۱۱۹). فرهنگ اسلامی، حفظ حریم و حرمت خانواده را یک اصل می‌داند و همواره بر خصلت پوشیدگی و محفوظ ماندن زندگی خانواده تاکید دارد. «حریم خصوصی به عنوان علاقه بنیادین انسان در همه فرهنگ‌ها دیده می‌شود. این حریم مکانی است که حدود دارد و نباید بدون دلیل به آن تعرض شود» (Hansson ۲۰۰۸، ۱۲۸). همچنین فراهم





تصویر ۱: حوزه‌های نه گانه فرهنگی جغرافیایی گیلان

شناسایی شده است. هسته مرکزی این بنا حدود ۲۰۰ سال پیش ساخته شده و از ویژگی‌های آن سیر تکاملی بنا از یک هسته اولیه به بنایی با گنجایش چندخانوار است و بخش‌های الحاق شده به بنا کاملاً با الگوی فضایی، سازه‌ای منطقه مطابقت دارد و به اصالت بنا خدشه‌ای وارد نشده است (طالقانی ۱۳۸۹، ۲۸).

۲- خانه مرادی

این بنا مربوط به حوزه جلگه مرکزی گیلان است. بناهای مناطق جلگه‌ای گیلان به دلیل رطوبت بسیار زیاد و لزوم ایجاد جریان هوا دارای بدنه‌های شفاف‌اند. این جداره‌های شفاف که هسته مرکزی بنا را در برمی‌گیرد، غالباً امکان گردش دورتادور بنا یا حداقل دو جناح را فراهم می‌کنند. به طور کلی در مناطق جلگه‌ای، پلان‌ها گسترده و باز هستند و فرم کالبدی آنها طویل و باریک است. خانه مرادی در روستای نشروکل در منطقه جلگه‌ای شهرستان رشت قرار دارد. از ویژگی‌های این بنا قدمت و اصالت آن نسبت به سایر بناهای سنتی موجود در حوزه مورد نظر است. این بنا حدود ۶۵ سال پیش ساخته شده و از لحاظ معماری دارای ویژگی‌ها خاصی می‌باشد (طالقانی ۱۳۹۰، ۲۸).

۳- خانه موسی زاده

این بنا یکی از بناهای هدف در حوزه فرهنگی معماری جلگه غرب گیلان است. این حوزه بخشی از مناطق

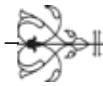
به بیرون محوطه و فضاهای زیستی ببرد. (قبادیان ۱۳۹۳، ۳۸). شرایطی از این دست، در شهرهای حاشیه دریای خزر سبب شکل‌گیری معماری برون‌گرا گردیده است. «بناهای برون‌گرا بناهایی هستند که با فضای بیرونی خود، شامل عناصر شهری مثل گذر، مسیر و دیگر عناصر بیرونی در ارتباط مستقیم بوده و فضاهای داخلی آن نیز همین ارتباط را با فضای بیرونی دارند. تفاوت بارزی که با بناهای دیگر دارند، در عنصری بنام حیاط است.» (معماریان ۱۳۹۱، ۷). استان گیلان از نظر بافت و معماری جزء یکی از استانهای مهم تاریخی ایران به شمار می‌آید. اما به جهت شرایط آب و هوایی آن و نابودی آثار تاریخی و معماری، بناهای زیادی باقی نمانده است (ریچاردز ۱۳۸۹، ۳۲۸).

تغییر شیوه زندگی روستاییان و تزریق فرهنگ غرب، که ریشه در ساختار فرهنگی و اجتماعی اروپایی داشت، موجب دگرگونی در ساختار روستایی شده است. همچنین بسیاری از آثار تاریخی این منطقه به دلیل شرایط اقلیمی و رطوبت بالا از بین رفته‌اند. لذا برای صیانت از میراث غنی این منطقه، موزه میراث روستایی گیلان در سال ۱۳۸۱ بنا گردید. در هر بخشی از گیلان، گونه‌های شاخص معماری بومی روستایی شناسایی شدند و پس از انجام مطالعات معماری و مردم‌شناسی، بناها خریداری شده، و اجینی ۱۷ و در موزه دوباره چینی می‌شوند. (طالقانی ۱۳۹۰، ۲۳). در پژوهش حاضر برای پاسخ به چگونگی تحقق خلوت در خانه‌های برون‌گرای گیلان، تعدادی از خانه‌های موزه میراث روستایی گیلان، با قدمت ۱ الی ۲ سده انتخاب گردید.

معرفی نمونه‌ها

۱- خانه محتشم‌طلب

این بنا یکی از بناهای هدف در حوزه فرهنگی معماری جلگه غرب گیلان است. این حوزه بخشی از مناطق جلگه‌ای گیلان را در رودخانه سفیدرود در برمی‌گیرد. که بخش‌هایی از شهرستان‌های صومعه‌سرا، فومن، شفت، ماسال، رضوان‌شهر، تالش و آستارا را شامل می‌شود. مجموعه مسکونی محتشم‌طلب در روستای گشت واقع در دهستان گشت، بخش مرکزی، شهرستان فومن



۴- خانه موسوی

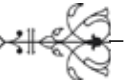
این بنا مربوط به حوزه جلگه غرب گیلان است. این حوزه از سمت شمال با دو شهرستان ماسال و بندر انزلی، از سمت شرق با رشت، از سمت جنوب با رودبار و از سمت غرب با استان زنجان مجاور است و سه شهرستان صومعه‌سرا، فومن و شفت را دربرمی‌گیرد. خانه موسوی در روستای شالما واقع در دهستان احمد سرگوراب، شهرستان شفت شناسایی شده است. با توجه به نوع چوب‌های به کار رفته در بنا قدمت آن حدود به صد سال برآورد می‌شود. محوطه اولیه خانه موسوی، به شکل چند ضلعی نامنظم با یک وجه منحنی بوده و مساحت تقریبی محوطه آن حدود هزار مترمربع است و شیب اندکی به سمت جنوب شرقی دارد. بنای اصلی در جنوب غربی محوطه و به صورت جنوب غربی - شمال شرقی است (طالقانی، ۱۳۸۹، ۲۹).

جلگه‌ای گیلان را در رودخانه سفیدرود در برمی‌گیرد. که بخش‌هایی از شهرستان‌های صومعه‌سرا، فومن، شفت، ماسال، رضوان‌شهر، تالش و آستارا را شامل می‌شود. مجموعه مسکونی موسی زاده در روستای گیلانده واقع در دهستان اسالم، بخش اسالم، شهرستان تالش شناسایی شده است. این بنا حدود نود سال پیش ساخته شده و به لحاظ معماری دارای ویژگی‌های خاص خود است و به رغم قدمت نسبی، وضعیت ساختاری آن سالم مانده، زیرا تا سال ۱۳۸۴ محل سکونت خانواده موسی‌زاده بوده است. این بنا یکی از نمونه‌های قدیمی این منطقه است که به قشر نسبتاً مرفه جامعه روستایی تعلق داشته است و گنجینه‌ای از اطلاعات مربوط به فرهنگ، نوع معیشت، اقتصاد خانوارهای طبقه مرفه این منطقه را به همراه دارد (طالقانی، ۱۳۹۰، ۲۵).



تصویر ۱: خانه محتشم‌طلب (بالا سمت راست)، خانه مرادی (بالا سمت چپ)، خانه موسی‌زاده (پایین سمت راست)، خانه موسوی (پایین سمت چپ)؛ مأخذ: طالقانی، ۱۳۹۰






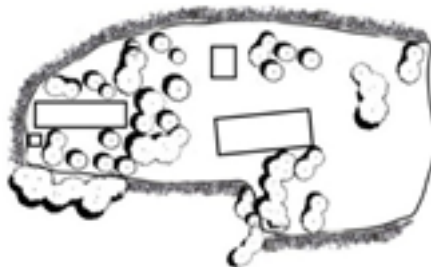

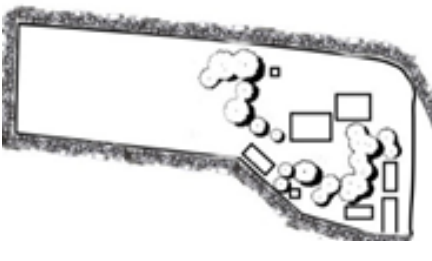

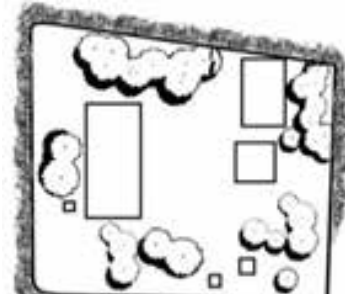

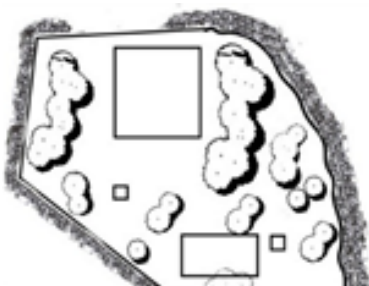
سازوکارهای تنظیم خلوت در خانه های برون گرا

۱- حیاط

در این منطقه رابطه بین احجام ساختمانی مجموعه، چه در محیط روستایی و چه در بافت شهری، بر مبنای باز بودن و امکان جریان هوا به داخل مجموعه، طرح گشته است. در جوامع روستایی و شهری وجود فضای آزاد بین ساختمان و احتراز

از چسبیدن بناها به یکدیگر هیچ گاه فراموش نمی شود و هر ساختمان به صورت مستقل ساخته شده و چهار طرف آن باز است. همچنین بناها در محدوده های گیاهی قرار می گیرند. مرز این مالکیت ها، توسط درخت، شمشاد، پرچین و نظایر آن مشخص می شود (دیبا و یقینی ۱۳۷۳، ۱۲).

جدول ۲. شیوه تأمین خلوت در حیاط خانه های برون گرا (مأخذ: نگارندگان)

تصویر	پلان	خانه
		خانه محتشم طلب
		خانه مرادی
		خانه موسی زاده
		خانه موسوی


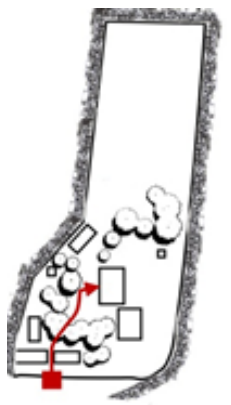
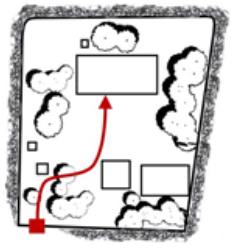
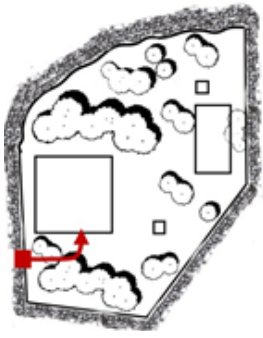


۲- ورودی

می‌گردد (خوت همکاران ۱۳۹۱، ۱۴۷). در خانه‌های روستایی گیلان بلتّه به نوعی مانعی نمادین برای ورود به بنا است. همچنین ورودی بنا با چرخش، فضای بیرونی را به داخل خانه ارتباط می‌دهد و ارتباط بصری به داخل بنا قطع می‌شود. در برخی بناها نیز ورودی، مستقیم و بدون چرخش به حیاط راه دارد لیکن در این حالت، با امتداد دادن راه‌ها و دالان‌ها بخش عمده‌ای از حریم فضاهای داخلی حفظ می‌گردد.

یکی از مهم‌ترین عناصری که نقشی اساسی در تنظیم خلوت، به واسطه قرارگیری در محل پیوند عرصه خصوصی و عمومی بر عهده دارد؛ ورودی خانه است (علی الحسابی و قربانی، ۸۸). معماری سنتی با پوشاندن دید در ورودی خانه، حرمت برای ساکنین ایجاد می‌کند. با انحراف دید در ورودی و نوع ورود از هشتی به دالان، و سپس خانه، حجاب و حریم ایجاد

جدول ۳. شیوه تأمین خلوت در ورودی خانه‌های برون‌گرا (مأخذ: نگارندگان)

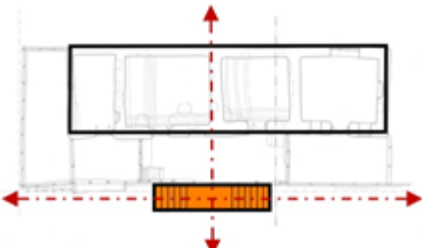

خانه	خانه محتشم طلب	خانه مرادی	خانه موسی زاده	خانه موسوی
ورودی				




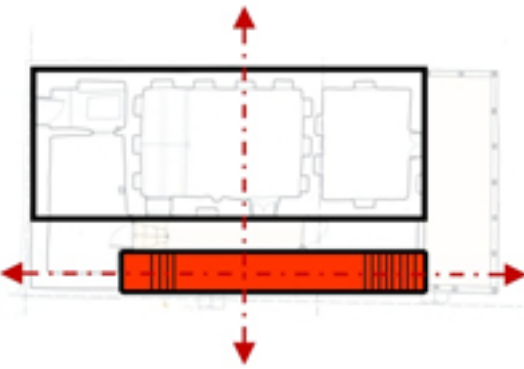

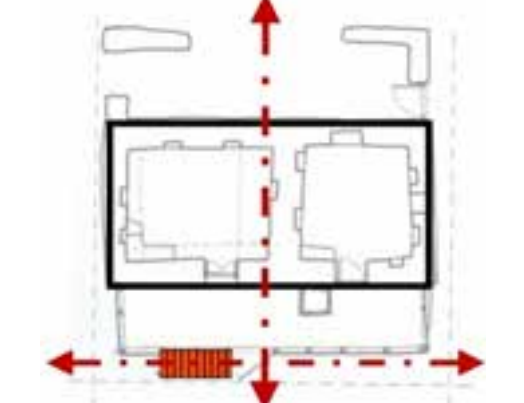
۳- پلکان

فرعی قرار گرفته و مانع توجه و شاخص شدن محور اصلی، می‌شود. همچنین شکستگی در محور ورود به خانه و ایجاد اختلاف ارتفاع بین فضاها، افزایش حریم را به دنبال دارد. در چیدمان فضایی خانه‌های پله‌دار، جداسازی فضاهای خصوصی، عمومی و نیمه‌خصوصی به وضوح دیده می‌شود؛ به نحوی که طبقه همکف بسیاری از بناها، بدون گشایش وسیع به بیرون می‌باشد؛ این الگو در جهت تأمین خلوت فضاهای همکف که در معرض گذر عمومی‌تر قرار دارد؛ شکل گرفته است.

عمدتاً خانه‌های منطقه گیلان به دلیل بالا بودن آب‌های سطحی و دیگر عوامل اقلیمی از کف فاصله گرفته و به صورت ۲ و یا ۳ طبقه ساخته شده است (معماریان ۱۳۹۱، ۸). در صورت چند طبقه بودن بنا، طبقات بالا به فضای نشیمن و یا مهمان اختصاص داشته، و طبقات پایین به علت رطوبت زیاد آن، به انبار، طویله و دیگر فضاهای خدماتی اختصاص می‌یابد (دیبا و یقینی ۱۳۷۲، ۱۱). پله در خانه‌های برون‌گرا عمدتاً در محور

جدول ۴. شیوه تأمین خلوت در پلکان خانه‌های برون‌گرا (مأخذ: نگارندگان)

خانه	پلان	تصویر
خانه محتشم طلب		

		خانه مرادی
		خانه موسی زاده
		خانه موسوی

نسبت به طرز قرارگیری اتاق‌ها، انواع گوناگونی دارد. اسبو و کوتوم از ایوان‌های کاربردی در حوزه روستایی گیلان است و به عنوان محلی برای نشستن، خوابیدن، غذا خوردن، کار و ... مورد استفاده قرار می‌گیرند. این فضا، در اکثر مسکن بومی، در لایه‌ی اول نمای اصلی قرار گرفته که خود پیش‌فضایی برای ورود به حریم خانه است و باعث محصور و محدود شدن اتاق در قلب بنا می‌گردد. ایوان‌ها مانعی برای دسترسی به اتاق است و چون حصار ایوان‌ها را در بر می‌گیرند.

۴- ایوان

ایوان، به عنوان فضای نیمه‌باز خانه، مهم‌ترین و پرکاربردترین فضا است، که دارای عملکردی چندگانه می‌باشد. ایوان‌ها، عموماً از دو یا سه طرف باز می‌باشند که اگر در طبقه‌ی بالا قرار گیرد، تالار نامیده می‌شود. تالار در جلوی تالاراتاق یا بالاخانه؛ اتاق پذیرایی مهمان جای می‌گیرد که به دلیل ارتفاع و ویژگی‌های خاص خود از نظر منظر و اشراف به محیط اطراف، کوران مطلوب و نسیم مطبوع، فضای متنوعی را به ارمغان می‌آورد (دیبا و یقینی، ۱۳۷۲، ۱۱). ایوان، عملکردهای مختلف دارد و





جدول ۵. شیوه تأمین خلوت در ایوان خانه های برون گرا (مأخذ: نگارندگان)

تصویر	پلان	خانه
		خانه محتشم طلب
		خانه مرادی
		خانه موسوی
		خانه موسی زاده

۵- نظرگاه درونی: استقرار می یابد. به طوریکه سلسله مراتب دسترسی در خانه به ترتیب عرصه عمومی، نیمه عمومی و خصوصی می باشد.

عبور از یک فضای همگانی به صورتی بلافصل و بی واسطه تحقق نمی یابد و همواره فضایی به سان یک مفصل، فضای همگانی را از فضای اندرون جدا کرده است (فلامکی ۱۳۹۴، ۶۰۰). پل که و جیربن که فضاهای مورد استفاده افراد خانه است در همکف یا نیم طبقه اول قرار می گیرد و تالار یا بالاخانه که مختص پذیرایی مهمان است در طبقه بالا جای می گیرد. مهمان بدون وارد شدن به حریم خصوصی خانه در جای خود





جدول ۶. شیوه تأمین خلوت در نظرگاه درونی خانه های برون گرا (مأخذ: نگارندگان)

پلان طبقه اول	پلان همکف	خانه
		خانه محتشم طلب
		خانه مرادی
		خانه موسوی
		خانه موسوی زاده

مفصلها فضای زندگی اتاق مهمان

نتیجه گیری

که بدین منظور از خانه های موزه میراث روستایی گیلان استفاده شد. از این رو نظریه های مطرح شده پیرامون خلوت و شیوه تحقق آن در خانه ها، مطالعه شد. صاحب نظران در بحث تأمین خلوت مطلوب بر نقش زمینه های فرهنگی

این پژوهش با هدف شناسایی عوامل موثر در تنظیم خلوت خانه های برون گرا صورت گرفته است و نهایتاً مولفه های موثر در شکل گیری و ارتقاء این کیفیت معرفی می گردد.



بهره می‌گیرند. ایوان با قرارگیری در لایه اول از نمای اصلی، خانه را در قلب خود جای می‌دهد. از این طریق اشرافیت بصری و محرمیت فضایی درون خانه افزایش می‌یابد. یل که مکانی برای دودی کردن برنج و جیرین به عنوان فضای زندگی و آشپزخانه کاربرد دارند. به عبارت دیگر ساکنین این خانه‌ها برای هر فعالیت فضایی تعریف شده‌ای دارند و فضای زندگی خصوصی کاملاً از محل پذیرایی مهمان یا بالاخانه مجزاست. یعنی هنگام ورود به فضای زندگی و حریم خصوصی خانه، مفصله‌های ارتباطی سبب ایجاد تسلسل فضایی شده و تعدد فضایی سبب مرحله‌بندی حضور افراد در خانه می‌گردد و بدین سبب سلسله مراتب ورود به خانه افزایش می‌یابد.

در واقع نیازهای خانواده، نوع معیشت افراد، روابط اجتماعی، و نیازهای اقلیمی، باعث اختصاص عملکردهای ویژه به بنا گشته است که این خود مرزها و محدوده‌های مرئی را ایجاد می‌نماید. نشانه گذاری و شخصی کردن مکان از طریق دامنه وسیعی از موانع یا نشانه‌های نمادین، قلمروهایی را ایجاد می‌نماید. در این منطقه متناظر با گستردگی فضای اجتماعی بین داخل و خارج خانه و استفاده محدود از فضای درونی، حریم خانه‌ها به گونه‌ای متفاوت عرضه می‌شود. تنظیم خلوت در قالب الگوهای رفتاری و عناصر معماری اعمال می‌گردد. درعین یکپارچگی فضا، محدوده‌ی شخصی افراد دارای ارزش خاصی است که هم با عناصر معماری و هم با روابط اجتماعی محقق می‌گردد. در نتیجه، خانه‌های برونگرا در عین داشتن رابطه شفاف و متداوم بین درون و بیرون، دارای سازوکارهایی برای تنظیم خلوت، حریم و محصوریت است.

تأکید می‌کنند؛ آنها بر این باورند که فرهنگ‌های گوناگون برداشت‌های مختلفی از خلوت مطلوب دارند؛ هر فرهنگی سازوکارهای خاصی را برای تحقق این نیاز افراد ایجاد می‌کند. پژوهش حاضر به نقش سازوکارهای محیطی، محیط فیزیکی و عوامل کالبدی در تأمین خلوت مطلوب اشاره می‌کند که با بررسی گونه‌های برون‌گرای خانه ایرانی مناطق روستایی گیلان بر پایه روش کیفی تفسیری به داده‌های ذیل دست یافته‌است.

اکثر خانه‌های برون‌گرا درون محوطه‌های بزرگ واقع شده‌اند. وجود درختان درون حیاط تا حدودی مانع دید به داخل می‌شود و خانه را محصور می‌کند. همچنین دورتادور حیاط خانه، پرچین، مزارع کشاورزی و شالیزارهاست که علاوه بر مشخص نمودن مرز و محدوده‌های بنا، سبب به حداقل رسیدن همسایگی‌های اطراف خانه می‌شود. ورودی با ایجاد پیوند بین عرصه خصوصی و عمومی نقش مهمی در تأمین خلوت خانه‌ها ایفا می‌کند. بلکه به عنوان نشانه‌ای نمادین ورود غیر را مانع می‌شود. چرخش و گذر از حیاط، سبب ایجاد شکستگی در محور ورود و کاهش دید می‌شود. همچنین امتداد داشتن راه ورود، سبب ایجاد فاصله بین خانه و ورودی می‌گردد؛ که خود موجب تسلسل ارتباطی می‌گردد. در این خانه‌ها پله در محور فرعی قرار می‌گیرد به گونه‌ای که شخص هنگام عبور از آن با چرخشی وارد ایوان و خانه می‌شود. همچنین اختلاف ارتفاع و قرارگیری اتاق‌ها در طبقه بالا، مانع دید مستقیم به خانه می‌شود و حریم بصری را به دنبال دارد. در این گونه بناها برای مقابله با رطوبت و ایجاد کوران از فضاهای نیمه باز همچون ایوان و کوتوم و اسبو

پی‌نوشت:

۱. دیواری به بلندی ۱ متر که از ستونکهای چوبی و ترکه‌های چوب و یا مواد در دسترس هر منطقه، که به یکدیگر مهار می‌شوند و به عنوان حصار دور خانه، شالیزار و مزرعه کاربرد دارد.
۲. نوعی دروازه چوبی در محوطه خانه‌های روستایی گیلان
۳. ایوان مسقف در طبقه اول خانه‌های روستایی، که به طول نمای اصلی خانه است.
۴. ایوان مسقف که فضای ارتباطی اتاق‌ها را فراهم می‌کند. این ایوان در طبقه همکف قرار دارد یا با چند پله از زمین فاصله می‌گیرد.
۵. ایوان مسقف در طبقه اول خانه که به عنوان نشیمن، پذیرایی در فصول گرم سال کاربرد دارد.
۶. اتاق طبقه اول خانه که محل پذیرایی مهمان است.
۷. اتاق اصلی خانه در طبقه همکف یا نیم طبقه خانه که در فصول سرد سال به عنوان آشپزخانه، اتاق نشیمن و محل خواب استفاده می‌شود.





یکی از کارکردهای این اتاق دودی کردن جوی برنج است. به این اتاق مین که به معنای اتاق میانی نیز گفته می‌شود.

۸. اتاقی در طبقه همکف خانه، محل زندگی در فصل زمستان و همچنین جهت استقرار کارگران فصلی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۹. نجد فلاتی است کوهستانی در کشور عربستان سعودی که ارتفاع آن بین ۷۵۰ تا ۱۵۰۰ متر می‌باشد، از شمال به عراق و کشور اردن، از جنوب به ربع الخالی، از مشرق به احساء و از مغرب به حجاز محدود است. از این رو به مناطق کوهستانی فلات ایران نجد می‌گویند.

۱۰. Proxemics

۱۱. Hill

۱۲. Schwartz

۱۳. Kuper

۱۴. Phyllis McGinley

۱۵. سوره نحل آیه ۸۰ « وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَنَنْتُمْ مِنْهَا لَكُمْ حِمٌّ وَلَكُمْ فِيهَا مَعَابِدٌ وَأَنْعَامٌ وَأَشْجَارًا وَأَنْثًا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ »

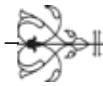
۱۶. سوره نور آیه ۳۰ و ۳۱ « قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (۳۰) وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّبَعِينَ غَيْرِ أُولَى الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الْوَالِدِ الَّذِيْنَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۳۱) »

۱۷. جداسازی عناصر و قطعات یک بنا با روش‌شناسی مشخص، که امکان دوباره‌چینی بنا را مطابق نمونه اولیه در مکان دیگر ممکن می‌سازد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. اخوت، هانیه و الماسیفر، نینا و بمانیان، محمدرضا. ۱۳۹۱. معماری و شهرسازی سنتی - در کشورهای اسلامی. تهران: انتشارات هله.
۳. آلمن، ایروین. ۱۳۹۵. محیط و رفتار اجتماعی: خلوت، فضای شخصی، قلمرو، ازدحام. ترجمه علی نمازیان. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۴. پلاسما، یوهانی. ۱۳۸۹. پدیدارشناسی مفهوم خانه در نقاشی، معماری و سینما (هویت، حریم خصوصی و ماوا). تدوین توسط امیر مجد. صنعت سینما ۹۷.
۵. پیرنیا، محمدکریم. ۱۳۸۲. سبک‌شناسی معماری ایران. تهران: پژوهنده.
۶. خانی، سمیه و ارژمند، محمود. ۱۳۹۱. نقش خلوت در معماری خانه ایرانی. شهر ایرانی اسلامی ۲ (۷): ۲۷-۳۸.
۷. دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۷. لغت نامه دهخدا. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۸. راپاپورت، آموس. ۱۳۹۲. انسان‌شناسی مسکن. با ترجمه خسرو افضلیان. تهران: حرفه هنرمند.
۹. راپاپورت، آموس. ۱۳۹۲. معنی محیط ساخته شده: رویکردی در ارتباط غیرکلامی. با ترجمه فرح حبیب. تهران: سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
۱۰. ریچاردز، فرد. ۱۳۸۹. سفرنامه فرد ریچاردز. با ترجمه مهین دخت صبا. تهران: شرکت انتشاراتی علمی.
۱۱. طالقانی، محمود. ۱۳۹۰. خانه مرادی (میراث روستایی گیلان). گیلان: موسسه متن.
۱۲. طالقانی، محمود. ۱۳۹۰. خانه موسی‌زاده (میراث روستایی گیلان). گیلان: موسسه متن.
۱۳. طالقانی، محمود. ۱۳۹۰. خانه موسوی (میراث روستایی گیلان). گیلان: موسسه متن.
۱۴. طالقانی، محمود. ۱۳۹۰. خانه محتشم‌طلب (میراث روستایی گیلان). گیلان: موسسه متن.
۱۵. خاکپور، مژگان و انصاری، محبتی و طاهرینان، علی. ۱۳۸۹. گونه‌شناسی خانه‌های بافت قدیم شهر رشت. هنرهای زیبا ۲ (۴۱): ۲۹-۴۲.
۱۶. عینیفر، علیرضا. ۱۳۷۹. عوامل انسانی-محیطی موثر در طراحی مجموعه‌های مسکونی. هنرهای زیبا ۸: ۱۰۹-۱۱۸.
۱۷. فرگاس، جوزف. ۱۳۹۴. روانشناسی تعامل اجتماعی: رفتار میان فردی. تهران: ابجد.
۱۸. فرگاس، جوزف. ۱۳۹۴. روانشناسی تعامل اجتماعی: رفتار میان فردی. با ترجمه مهرداد فیروزبخت. تهران: ابجد.
۱۹. فی، برایان. ۱۳۸۱. فلسفه علوم اجتماعی. ترجمه خشایار دیهیمی. تهران: طرح نو.
۲۰. کریستوفر الکساندر، سرج چرمایف. ۱۳۹۳. عرصه‌های زندگی خصوصی و زندگی جمعی. تهران: دانشگاه تهران.





۲۱. لنگ، جان. ۱۳۹۴. آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. با ترجمه علیرضا عینیفرد. تهران: دانشگاه تهران.
۲۲. لیبب زاده، راضیه و حمزه نژاد، مهدی و نقرهکار، بدالحمید و خان محمدی، محمدعلی. ۱۳۹۵. بازخوانی اسلامی از مدل محیط-رفتار راپاپورت در سازمان فضایی خانه و تحقیقسنجی آن در طرح. نامه معماری و شهرسازی ۹(۱۷): ۲۱-۴۲.
۲۳. مدنی پور، علی. ۱۳۹۴. فضاهای عمومی و خصوصی شهر. ترجمه فرشاد نوریان. تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
۲۴. محمودی، محمدرضا و سیفیان، محمدکاظم. ۱۳۸۶. محرمت در معماری سنتی ایران. هویت شهر (۱): ۳-۱۴.
۲۵. محمدپور، احمد. ۱۳۸۸. ارزیابی کیفیت در تحقیق کیفی. فصلنامه علوم اجتماعی (۴۸): ۷۳-۱۰۵.
۲۶. مسائلی، صدیقه. ۱۳۸۸. نقشه پنهان به مثابه دستاورد باورهای دینی در مسکن سنتی کویری ایران. هنرهای زیبا ۳۷: ۲۷-۳۸.
۲۷. معماریان، غلامحسین. ۱۳۹۱. آشنایی با معماری مسکونی ایران گونه شناسی ایران. تهران: سروش.
۲۸. معماریان، غلامحسین. ۱۳۹۰. معماری ایرانی. تهران: سروش دانش.
۲۹. میشل، جرج. ۱۳۹۱. معماری جهان اسلام: تاریخ و مفهوم اجتماعی آن. با ترجمه یعقوب آژند. تهران: انتشارات مولی.
۳۰. نقره کار، عبدالحمید. ۱۳۹۴. درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهر سازی. تهران: پیام سیما.
۳۱. نقی زاده، محمد. ۱۳۸۷. شهر و معماری اسلامی (تجلیات و عینیات). اصفهان: انتشارات مانی.
۳۲. محمودی، محمد مهدی و نیکقدم، نیلوفر. ۱۳۸۶. خانه وارث خاطرات نسلهها. آبادی ۱۷(۵۵): ۲۴-۲۹.
۳۳. ولیزاده اوغانی، محمدباقر. ۱۳۹۲. اصول و اندیشه های اخلاقی در ساختار فضایی خانه های سنتی ایران اسلامی نمونه مورد مطالعه محرمیت و حریم خصوصی. پژوهش هنر ۴(۷): ۴۷-۶۰.
۳۴. هال، ادوارد. ۱۳۹۳. بعد پنهان. با ترجمه منوچهر طیبیان. تهران: دانشگاه تهران.

35. Abu-Gaueh, Tawfiq. 1995. *Privacy as the Basis of Architectural Planning in the Islamic Culture of Saudi Arabia*. Arch & Comport Arch. & Behav 269 - 288.
36. Altman, Irwin. 1977. Privacy regulation: Culturally universal or culturally specific. *Journal of social issues* 33(3): 66-84.
37. Altman, Irwin, and Martin M. Chemers. 1984. *Culture and environment*. No. 2. CUP Archive.
38. Gifford, Robert. 2007. *Environmental psychology: Principles and practice*. Colville, WA: Optimal books
39. Guba, E. G., and Y. S. Lincoln (1989). *Fourth generation evaluation*. Newbury Park, CA: Sage.
40. Hutchison, R. (2010). *Encyclopedia of urban studies*. Loss Angels, London, SAGE Publications, Inc..
41. Hall, Edward T. 2004. *the silent language*. New York: Doubleday and Com.
42. Hansson, Mats. 2008. *The Private Sphere: An Emotional Territory And Its Agent*. New York : Springer.
43. Madanipour, A. (2003). *Public and private Spaces of the City*. London. New York: Routledge
44. Mazumdar, Shampa, and Sanjoy Mazumdar. 2003. Rethinking public and private space: Religion and women in Muslim society. *Journal of Architectural and Planning Research*, 302-324.
45. Mortada, Hisham. 2003. *Traditional Islamic principles of built environmen*. New York: Routledge.
46. Memarian, Gholam Hossein, Hashemi Toghr oljerdi, Majid, & Ranjbar-Kermani, Ali Mohammad. (2011). Privacy of house in Islamic culture: A comparative study of pattern of privacy in houses in Kerman. *International Journal of Architectural Engineering & Urban Planning* 1.2: 8.
47. Newell, P. B. (1998). A cross-cultural comparison of privacy definitions and functions: A systems approach. *Journal of Environmental Psychology*.
48. Omer, Spahic. 2010. *Islam & housing*.
49. Rahim, Hashim Ahmad Hariza and Zaiton Abdul. 2008. The influence of privacy regulation on Urban Malay families living in terrace housing. *International Journal of Architectural Research* 2: 94-102.
50. Rapoport, Amos. 1998. Using "Culture" in housing design." *Housing and society* 25: 1-20.
51. Rapoport, Amos. 2005. *Culture, architecture, and design*. Locke science publishing Company.
52. Rapoport, Amos. 1969. *House Form and Culture (Foundations of Cultural Geography Series)*. New Jersey: Prentice-Hall.
53. Rapoport, Amos. 1977. *Human aspects of urban form*. Oxford: Pergamon.
54. Renard, John. 1998. *Windows on the house of Islam: Muslim sources on spirituality and religious life*. Los Angeles: University of California Press
55. Schwartz, Barry. 1968. The social psychology of privacy. *American Journal of Sociology* 73: 741-752.
56. Sommer, Robert. 1969. *Personal Space*. The Behavioral Basis of Design. 1969.
57. Westin, Alan F. 1968. *Privacy and freedom*. Washington and Lee Law Review.





Adjustment Mechanisms of Privacy in extroverted homes of Gilan (Case Study: Rural Homes)

Fatemeh Jabbaran*

Lecturer, Department of Civil and Architecture, Malayer University, Malayer, Iran.

Gholamreza Talischi **

Assistant Professor, Department of Arts and Architecture, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

Nima Deimary ***

Instructor, Department of Civil and Architecture, Malayer University, Malayer, Iran

Ali Dorri ****

Lecturer, Department of Civil and Architecture, Malayer University, Malayer, Iran.

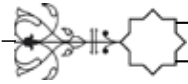
Received: 02/11/2018

Accepted: 20/09/2018

Abstract

Privacy as a human need, is the result of adjustment of the interaction between human environment, which under the influence of current patterns of activity and cultural background, leads to a favorable atmosphere. Adjusting the privacy in Iranian homes is one of the fundamental features of Iranian architecture, which has had a profound effect on the formation of the spatial organization and the physical elements of traditional houses. However, the climatic and cultural diversity of the Iranian geographic region has caused different types of Iranian homes. The similar situation in the marginal cities of the Caspian Sea has caused the development of extroverted architecture. The extraterrestrial architecture of the rural homes of Gilan has provided a distinctly desirable privacy setting, in accordance with the requirements of Islamic belief and indigenous culture. In other words, the privacy setting in these homes is unique in terms of spatial structure and architectural elements and is different from introverted houses in the central regions of Iran. Architectural solutions to these types of homes in the provision of privacy have not yet been studied by researchers. For this reason, this paper outlines and describes the setting of privacy and its mechanisms, and looks at how to realize the desirable privacy in the works of the outsourcing architectural index in the rural homes of Gilan. The study first identified the spatial structure and architectural features of the selected buildings using library resources and field observations. Then, the researchers, through presence in the field of research, have focused on the evidence behind the behavior and reactions of the inhabitants, and tried to reveal the profound meanings of empirical data obtained from interviews and observations.

The findings of this research show that adjusting the privacy plays an important role in the formation of spatial structure and architectural elements of extroverted houses. The presence of trees and



hedge around the yard somewhat prevents the view of the interior and causes the enclosure of the space and determines the boundaries of the house, farm, and rice fields. Rotating inputs break the view into the building, and as a result, the visual connection to the building is lost. Bøltø prevents others from entering the house. Also, the stairs in the minor axis cause fractures and reduced visibility when entering the room. Ivan and Kotum and Esbo in the front of the room, causing plenty of space and staging the presence of people at home. Basically, Tallar and Tallar room, which are the guests' place of stay, are in the second floor. Yelka and Jirben, the place of kitchen and the living room are placed in the ground floor or the first half floor. In addition to their core functions, these elements lead to a communication sequence, lack of visual aristocracy, and space contention, and thus the private sphere of the family is preserved.

Keywords: privacy adjustment, Rural Homes, Extroverted Architecture, Native Architecture, Gilan.



Managing Director: vice chancellor for
research-Iran University of Science and Technology

Editor-in-chief: Mohsen Feizi

Administrative Director:

Fatemeh Mehdizadeh Seraj

Administrative assistant:

AmirHosein Yousefi / Zahra Kashanidoost

Persian literary Editor:

Sara Motevalli

English literary editor: MohammadReza Attaee

Editorial Board Members:

Seyyed Gholam Reza Eslami: Associate Professor,
Tehran University

Hasan Bolkhari: Associate Professor, Tehran University

Mostafa Behzadfar: Professor,

Iran University of Science and Technology

Mohammad Reza Pourjafar: Professor,

Tarbiat Modares University

Mahdi Hamzeh Nejad: Assistant Professor,

Iran University of Science and Technology

Esmail Shieh: Professor, Iran University

of Science and Technology

Manoochehr Tabibian: Professor, Tehran University

Mohsen Faizi: Professor, Iran University

of Science and Technology

Hamid Majedi: Associate Professor, Science and

Research Branch, Islamic Azad University

Asghar Mohammad Moradi: Professor, Iran University

of Science and Technology

Gholam Hossein Memariyan: Professor, Iran University

of Science and Technology

Fatemeh Mehdizadeh: Professor, Iran University

of Science and Technology

Mohammad Naghizade: Assistant Professor, Science and

Research Branch, Islamic Azad University

Ali Yaran: Professor, Iran Ministry of Science,

Research and Technology

Design assistant: Eng AmirHosein Yousefi

Reviewers for Volume 6, Number 21:

Leila Pahlevan zadeh, Assistant Professor, Azad Islamic
University

Samaneh Taghdir: Assistant professor, Iran University of
Science and Technology

Bahareh Taghavinejad: Assistant Professor, Isfahan Art
University

Mahdi Khakzand: Assistant professor, Iran University of
Science and Technology

Mohammad Manan Raeesi: Assistant Professor, Qom
University

Reza Sameh: Assistant Professor, Imam Khomeini University

Azadeh Shahcheraqi, Assistant Professor, Azad Islamic
University

Hosein Safari, Assistant Professor, Azad Islamic University

Mozafar Abaszadeh: Assistant Professor, Orumieh University

Mohammad Reza Attaee, Assistant Professor, Azad Islamic
University

Mohammad Baqer Kabirsaber: Assistant professor, Tehran
University

Shahriar Nasekhian: Assistant Professor, Isfahan Art
University

Ahad Nejan Ebrahimi: Assistant professor, Tabriz Islamic Art
University

Abdolhamid Noqrehkar: Associate Assistant professor, Iran
University of Science and Technology

Asghar Mohammad Moradi: Professor, Iran University of
Science and Technology

Salahedin Molanaei: Assistant Professor, University of
Kurdistan

Behzad Vasiq: Assistant Professor
Jondy Shapoor University

Masoumeh Yaqubi, Assistant Professor, Azad Islamic
University





- **Analysis of Architectural Aesthetics Role in Iranian Houses, Case Study: Mashhad Historical Houses**
Sara Sadeghi / Ahmad Ekhlasi / Hamed Kamelnia
- **Drafting a Comprehensive Schema of Design Process The Conformability of Hermeneutic Design Methodology, with Epistemology Mechanism of Molla-Sadra's Transcend Theosophy System**
Ali Ravan / Saeid Alitajer
- **Research in The "Palace of The South" And "Middle Palace" In The Ceremonial Architecture Series of Lashkaribazar; Based On Historical Commentary, Literary Sources and Architectural Findings.**
Seyyed Rasool Mousavi Haji / Asadullah Joodkai Azizi / Sahar Abdolahi
- **A Revision of Geometric Training of Architects from Islamic View**
Mehdi Morrtahen / Masoud Narighomi
- **Recognition of urban elements in city centre hierarchy in the urbanism methods of Islamic period of Iran**
Mahdi Hamzenejad / Ali Seirafianpour
- **Adjustment Mechanisms of Privacy in extroverted homes of Gilan (Case Study: Rural Homes)**
Fatemeh Jabbaran / Gholamreza Talischi / Nima Deimary / Ali Dorri
- **The Impact of Parallel Aspects of Islam and Christianity on the Process of Converting Church to Mosque: During the Ottoman Era**
Maryam Akbari / Mohammadmehdi Moulai